

درباره ایران -۳

هویت ایرانی، هویتی چندپاره گسسته و بی‌پیشینه نیست



آنچه می‌خوانید سلسله مباحث دکتر علی اکبر ولایتی و جمعی از کارشناسان در مجموعه برنامه‌های «ایران» در سیمای جمهوری

اسلامی ایران با موضوع تبیین مفهوم «ایران و هویت ایرانی» است که در ستون ثابت «درباره ایران» به‌صورت پاورقی در روزنامه «فرهنگستان» منتشر می‌شود.

در نوشته‌های گروهی از شرق‌شناسان، تاکید فراوان بر گسست سیاسی ایران مشهود است؛ گویی هویت ایرانی هویتی چندپاره، گسسته و بی‌پیشینه است. آیا واقعاً چنین است؟

هرگز این‌طور نیست. باتوجه‌به تجربیاتی که‌ما داریم در پشت‌دیدگاه‌سپاری از شرق‌شناسان پنبی استعماری نهفته است؛ از قبیل اظهارات لرد کرزن (۱۸۲۵-۱۸۵۹م)، نایب‌السلطنه و فرماندارکل انگلیس در شبه‌قاره‌هند (۱۸۹۵-۱۸۹۹م)، روزپرخارجانگلستان در جنگ اول جهانی (۱۹۲۴-۱۹۱۹م) و رئیس مجلس اعیان انگلستان (۱۹۲۴-۱۹۱۶م و ۱۹۲۵-۱۹۲۴م). لرد کرزن به‌ایران توجه خاصی داشت. وی یک سفر ۶ ماهه از شمال شرقی ایران به جنوب‌غربی کشور ترتیب‌داد یعنی از حوالی مرزهای غربی شبه‌قاره هند-گسست‌عمده‌انگلیس بود-تا منطقه‌بسیار حساس و بعدافت خیز خوزستان را درنوردید و کتابی با عنوان ایران و قضیه ایران نوشت که مرحوم علام‌علی وحید مازندرانی (۱۳۶۹-۱۲۹۱ش) آن را ترجمه کرده است. با اینکه لرد کرزن یک تحقیق میدانی خوبی را ترتیب داده است، اما از اظهارنظرهای مغرضانه و سیاسی خود بازمانده و در جای جای کتاب، به اظهار مطالب غیرعلمی و صرفاً با اهداف استعماری پرداخته است. بالاخره او یک شخص انگلیسی بود که بیش از آنکه یک محقق باشد، یک شخصیت سیاسی داشت و آنقدر مورد اعتماد نظام حاکم بر بریتانیا بود که نایب‌السلطنه‌ند و وزیر خارجه شد. این چنین شرق‌شناسانی فاقد حسن نیت هستند و یک سوءغرضی پشت اظهارات‌شان هست. البته در دورانی که به قول آل احمد غرب‌زدگی جلوه و نمودی داشت، چون کسی اسم فرنگی و چشم‌آبی و موی بوری داشت و از یک منظر فرنگی بود، قریفته‌سخنش می‌شدند. ولی حالا دیگر کسی اینها را باور نمی‌کند.

اینکه اینها می‌گفتند «هویت ایرانی بعد از اسلام از بین رفت!» می‌خواستند بگویند ایران و اسلام با هم در مغایرت هستند. ایرانی که یک زمانی بر بخش مهمی از ربع مسکون حکومت می‌کرده حالا با اسلام، هویت ایرانی خود را از دست داده و دیگر هم این هویت احیا نشده است. اینها می‌گفتند ایرانی هر گرفتاری دارد ناشی از اسلام است. اگر فقط ذهن سیاسی داشته باشند، از این مطالب، خیلی تفسیر سیاسی برمی‌آید.

گاه، مشاهده می‌شود که متاسفانه همین مطالب در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود که واقعا مایه‌تاسف است. یک علتش وجود خلئی است که در تحقیقات تاریخی با متدولوژی جدید در کشور وجود دارد. اما در پاسخ به پرسش شما، باید گفت که ایران و هویت ایرانی به‌هیچ‌وجه پس از اسلام محو نشد. ملاحظه کنید، سلجوقیان از آسیای مرکزی آمدند و در ایران حاکم شدند. اما فردی که در آن دوران، حکومت اصلی می‌کرد خواجه نظام‌الملک طوسی (۴۸۵-۴۰۸ق) بود. در تاریخ آمده که خواجه در مراجعت از ماوراءالنهر، کرابه ملاحان جیحون را بر خراج انطاکیه نوشت یعنی ملاحان کشتی‌های ملکشاه در جیحون باید اجرت خود را در انطاکیه دریافت می‌کردند. ملاحان فریاد زدند که این چه کاری است؟ انطاکیه چندان دور است که اگر جوانی از ما به انطاکیه برود، پیر بازگردد. سلطان سر این ماجرا را از نظام‌الملک پرسید. او در پاسخ گفت دست‌نوشسته ما را در همین شهر به زر ناب می‌خرند و دارایی و ثروت ما همین‌جا هم آنقدر هست که بتوانیم دستمزد این ملاحان را پرداخت کنیم. غرض من آن بود که مزد ملاحان را پرداخت کنم تا که جہانیان بدانند که وسعت ملک سلطان تا کجاست.^(۱) یعنی این سلجوقیان که از آسیای مرکزی آمده بودند به دستنیری دانشمندی چون خواجه نظام‌الملک و از طریق تقویت دستاوردهای علمی و تمدنی ایرانی و نوشتن کتاب‌های علمی به زبان فارسی و احیای عظمت ایران گام بزرگی در تداوم ایران و هویت ایرانی برداشتند. خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق) در زمان ایلخانان با اینکه بر زبان عربی تسلط داشت، اما تعداد زیادی کتاب علمی به زبان فارسی نوشت. اینها برای حفظ هویت ملی زبان فارسی را پاس می‌داشتند. بعد هم از آن، صفویه رسماً به نام «ایران» حکومت به پا کردند. شما می‌بینید که شاه اسماعیل اول (حکومت: ۹۳۰-۹۰۷ق) به نام «پادشاه ممالک محروسه ایران» نامه می‌نویسد به سلطان بایزید (دوم) و بعد، در عمل هم ایران را احیا می‌کند. در ایران اهل بینی احیا شده به دست شاه اسماعیل، از یک طرف، مرتبه‌خوانی بر شهدای کربلا و مراسم دهه اول محرم احیا می‌شود و از دیگر سوی، مراسم نوروز. حدود ۵۰۰ سال پیش یعنی در سال ۹۰۷ق، شاه اسماعیل صفوی در تبریز به عنوان «پادشاه ایران» تاج‌گذاری کرد^(۲).

پی‌نوشت:

۱-Lord George Nathaniel Curzon
۲-ظهیرالدین نیشابوری، سلجوق نامه، ص ۳۱ راوندی، راجحه‌الصدور و آله‌الصدور در تاریخ آل سلجوق، صص ۱۲۹-۱۲۸؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع‌التواریخ، ص ۳۳؛ آقسرای، مسامره‌الاجبار و مسایره‌الاخیر، ص ۱۹.
۳-قزوینی، فواید‌الصفویه، ص ۷.

ادامه دارد



تغییر سبک زندگی هم از طریق ارتباطات بین فرهنگی و رسانه‌ها ایجاد شده است و قدمت دارد. البته فضای مجازی و تأثیرات گسترده‌اش به مثابه ابزار ارتباطی قدرتمند و همیشه در دسترس نیز به عنوان یک عامل جدید و جدی به سایر علل اضافه شده است.

چند وقت پیش وقتی با یکی از دوستان دوران دبیرستانم که حالا درس و دانشگاهش را هم به اتمام رسانده صحبت می‌کردم می‌گفت چندماهی است که تاریخ خواستگاری‌اش را با دختر مورد علاقه‌اش جابه‌جای می‌کند. گمان می‌کردم به خاطر وضع معیشتی باشد اما با شناختی که از او داشتم می‌دانستم مشکل مادی ندارد. کمی که صحبت کردیم علت اصلی را گفت. می‌گفت نمی‌تواند همسرش را همیشه دوست داشته باشد. این برای من خیلی عجیب بود اما او واقعا دچار چندگانگی شده بود. همسرش را فقط بر اساس زیبایی‌های ظاهری انتخاب کرده بود و حالا بعد از مدتی چشم‌هایش دختران زیباتری را هم دیده بود و نمی‌توانست چشمانش را کنترل کند. می‌گفت تنوع طلب شده است و نمی‌تواند ثبات داشته باشد. اقرار ترسناکی بود اما وقتی کمی کنکاش کردم متوجه‌شدم این موضوع، درگیری ذهنی بسیاری از پسران و دختران است. از جمله دلایل آن هم می‌توان به تصاویر و جذابیت‌هایی اشاره کرد که در فضای مجازی می‌بینند، تابوهایی که شکسته شده‌اند و خکالماتی که نخست خیلی ابتدایی با جنس مخالف آغاز می‌کنند و در نهایت افسار آن گسیخته می‌شود و کار به جاهایی می‌کشد که نباید کشیده شود. این روابط هرز، چه کوتاه و مقطعی و چه طولانی و دائمی، فرد را در گرینش شخص مورد علاقه دچار تشکیک می‌کند و در نهایت این امر سبب می‌شود ارتباطات به ازدواج ختم نشود و آمار آن کاهش یابد.

تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها در عرصه کلان باید با یک برنامه ریزی صحیح و نگاه درست به آمار در جهت ساماندهی وضع موجود و رفع موانع و گره‌های مختلف بر سر راه جوانان جهت دهی شود تا آمار کاهش ازدواج‌ها با افزایش میزان طلاق همراه نبوده و جوانان در گرایش و میل به ازدواج دچار تشکیک نشوند.

عامل جدایی نیست بلکه سبک زندگی‌ها فرق کرده است. «با این تفاسیر سبک جدید زندگی و گرایش و تمایل به نوع خاصی از آموزه‌های زندگی مشترک باعث ایجاد تغییرات جدی در انتظارات و پیش‌زمینه‌های ذهنی زوج‌ها از ازدواج و زندگی زن‌آشویی شده و بخشی از طلاق‌ها نشأت گرفته از این موضوع است. بیکاری، فقر، اعتیاد و... نیز به عنوان مصادیق دیگری که همواره از علل اصلی طلاق‌ها بوده است در کنار این موضوعات وجود دارند و به افزایش این آمار دامن می‌زنند.

چرا ازدواج کاهش یافته است

تفکیک بین این دو مولفه، یعنی افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج به ما کمک می‌کند این دورا در عین همبستگی، به صورت منفک و جدا از هم با دقت مورد بررسی قرار دهیم. در این زمینه نکته قابل تامل آن است که ما هر سال با افزایش تعداد جوانان در هرم جمعیتی کشور مواجهیم اما آمار، کاهش ازدواج را نشان می‌دهد. این یعنی جوانان ما علی‌رغم اینکه به سن ازدواج رسیده‌اند، تمایلی به زندگی مشترک ندارند. تمامی عللی که در بحث افزایش آمار طلاق مطرح شد در مورد این موضوع نیز صادق است. تفاوت نگرش‌ها و تغییر انتظارات از زندگی زن‌آشویی موضوعی است که باعث می‌شود پسران و دختران به ازدواج به چشم یک اولویت‌داری تراز قابل توجه نگاه نکنند. این نوع نگاه وقتی در کنار سایر شاخص‌ها از جمله بیکاری، عدم تأمین اقتصادی و معیشتی، فاصله طبقاتی و تنگناهای اجتماعی قرار می‌گیرد منجر به ایجاد انگیزه کافی در ذهن جوان برای عدم پذیرش بار مسئولیت در زندگی مشترک می‌شود. همین موضوع باعث کاهش آمار ازدواج و کاهش میل فکری و عقیدتی به داشتن زندگی مشترک می‌شود.

فضای مجازی؛ مولفه جدید موثر در آمارهای این حوزه

آنچه تا اینجایم به آن پرداخته شده و واقعیاتی است که بخش بزرگی از آن، مثل بیکاری، فقر، فاصله طبقاتی و... از گذشته تا به حال وجود داشته است. بخشی از مباحث مربوط به

از سال ۸۹ با آغاز کاهش تعداد ازدواج‌ها تعداد طلاق‌ها همچنان در حال افزایش است

متاسفانه بازار طلاق پررونق است

بین بخشی همچنان باید نگران ۱۷۴ هزار طلاق اتفاق افتاده در کشور باشیم. موسوی چلک با بیان اینکه آمارهای طلاق اگرچه به نسبت سال قبل تغییرات محسوسی نداشته است، روند کاهش ۱۳ درصدی ازدواج در سال ۹۶ نسبت به ۹۵ نگران‌کننده است، تصریح کرد: «بی‌دلیل نیست که مقام معظم رهبری نیز یکی از پنج اولویت اصلی کشور را در جلساتی که با سران قوا داشته‌اند، طلاق عنوان کرده‌اند.»

علل سیر صعودی طلاق

در یک جمع چند نفره، قبل از آنکه با جامعه‌شناسان یا کارشناس در ارتباط با این موضوع گفت‌وگویی کنیم موضوع را مطرح کردم. در این جمع هم افراد متاهل وجود داشتند و هم مجرد. این آمار از نظر آنها اصلاً قابل درک نبود. آه حسرت از نهاد همه‌شان برخاست. از آنها خواستم به قدر فهم و دانش خود علل این آمار و افزایش طلاق را بگویند. یکی از افراد متاهل در جمع گفت: «من خودم ۲۰ سال پیش ازدواج کردم و الان یک پسر و دختر دارم. قدیم‌ترها یک‌سری موضوعات وجود داشت که باعث می‌شد مردها و زن‌ها اصلاً به طلاق فکر نکنند. یکی از این موضوعات قبح آن بود. من خودم یادم هست که پدرم تعریف می‌کرد تو کل فامیل چنین موضوعی هرگز مطرح نمی‌شد و اون رو همدیف آدم کشتن می‌دونستن. البته این معنی‌اش آن نیست که مشکلی وجود نداشت یا زن و شوهرها هم دیگه و تحمل می‌کردن. می‌گفت اون موقع‌ها اگر مشکلی پیش می‌اومد با بزرگ‌ترها درمیان می‌گذاشتن؛ پدر و مادر، برادر را خواهر بزرگ‌تر، عمو و دایی و... که بهش اعتماد داشتن. اون‌ا راه حل می‌دادن، اما الان تا مشکلی پیش میاد، زن و شوهرها از کوره درمیرن و می‌خوان سریع تلافی کنن و انتقام بگیرن؛ انگار نه انگار که عاشق هم بودن.» یک نفر دیگر از بیسن جمع ادامه داد: «یک چیز دیگه‌ای هم که هست اینه که دختر و پسرها شناخت کافی از هم ندارن. می‌گن که خیلی هاشون خیلی وقته هم رو می‌شناسن اما رو موضوعات اصلی از هم شناخت ندارن. وقتی تو چالش‌های اصلی زندگی مشترک گرفتار می‌شن، کم‌مبارن و به طلاق فکر می‌کنن.»

این نگاه و بازخورد عمومی به افزایش آمار طلاق چندان هم از آن چیزی که از نگاه جامعه‌شناسان و مصلحان اجتماعی بیان می‌شود، فاصله ندارد. تغییر سبک زندگی، تغییر در اولویت‌ها و خواسته‌ها، انتظارات از زندگی زن‌آشویی و تغییر در نگرش‌های معطوف به زندگی اجتماعی از جمله عواملی هستند که از آن در توجیه افزایش این آمار نام برده می‌شود. اخیراً معاون سازمان امور اجتماعی کشور در ارتباط با آمار جلب توجه طلاق‌ها در یکی از مناطق تهران گفته است: «در منطقه ششمیرانات تهران به ازای هر ۱۰۰ ازدواج، ۶۷ طلاق به‌وقوع می‌پیوندد که نشان می‌دهد بیکاری و فقر تنها

همواره در بیان آمار و اطلاعات از موضوعات و مصادیق مختلف همچون سایر موضوعات یا دو دسته خوب و بد مواجهیم. یعنی برخی آمار و اطلاعات با رشد یا کاهش‌شان دربردارنده امیدو خبر خوش هستند ولی برخی دیگر متاسفانه حامل اخبار خوشایندی نیستند. پدیده‌های اجتماعی هم از این امر مستثنی نیستند. از قضا آمار و اطلاعات موجود در این بخش بسیار حائز اهمیت و راهنمای بسیاری از مصلحان و سیاستگذاران این عرصه است و از سوی آنان مورد توجه قرار می‌گیرد. آمار و اطلاعات در حوزه پدیده‌های اجتماعی بخش‌های مختلفی دارد و به موضوعات گوناگونی مربوط می‌شود؛ بیکاری، طلاق، ازدواج، اعتیاد، بزهکاری و... توجه به هر یک از این موارد به‌صورت یک کل یا تک‌به‌تک مورد توجه است. با حفظ جایگاه توجه به تمامی این

مصادیق، آماری اخیراً در ارتباط با ازدواج و طلاق منتشر و باعث نگرانی فراوان بین کارشناسان و مصلحان اجتماعی شده است و آنها را بر آن داشته در باب چرایی بروز آن به تفکر و بحث بنشینند.

افزایش طلاق و کاهش ازدواج

به‌گواه آماری که اخیراً منتشر شده و با توجه به اینکه سیر نزولی ازدواج از دهه نود آغاز شده است، در سال ۹۶ شاهد رکورد بی‌سابقه‌ای در ۵۱ سال اخیر در کشور بوده‌ایم به طوری که در سال گذشته ۱۱ درصد کاهش ازدواج داشته‌ایم و میزان طلاق هانیز ۶/۶ درصد افزایش یافته است. این یعنی در ۶۰۸ هزار ازدواج ثبت شده در سال ۹۶، ۱۷۴ هزار ازدواج منتهی به طلاق شده که این موضوع قابل تامل و اسف‌بار است. با نگاهی به سیر ۶ ساله در این خصوص افزایش آمار طلاق و کاهش ازدواج قابل مشاهده و بررسی است.

سیدحسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران نیز به ارائه آمار در این بخش پرداخته است و به گفته‌وی در بازه زمانی سال ۹۰ تا ۹۶ طلاق، ۲۲/۲ درصد تغییرات مثبت و از ۱۴۲ هزار و ۸۴۱ فقره در سال ۹۰ به ۱۷۴ هزار و ۹۹۷ فقره در سال ۹۶ افزایش داشته است. بر مبنای همین آمارها، تقریباً در سال ۹۰ هر ساعت ۱۶ طلاق ثبت شده که این آمار در سال ۹۶ به ازای هر ساعت ۲۰ طلاق ثبت شده است. بر همین مبنای در سال ۹۰ به ازای هر ۱/۶ ازدواج یک طلاق داشتیم که در حال حاضر به ازای هر ۳/۴ ازدواج یک طلاق در کشور اتفاق می‌افتد. این آمارها نشان می‌دهد با وجود همه اقدامات انجام شده و همکاری‌های

عکس نوشت

کودکان شهر

با رنگ و سبزی می‌فروشند یا شیشه‌های ماشین را سریع تمیز می‌کنند یا فال و کل در دستان شان دارند. فرقی نمی‌کند به هر حال مجبورند هر چیزی را که در دستان شان هست، بفروشند. پشت سرشان هم مافیای عجیب و غریب و عریض و طوبیلی قرار ندارد؛ مستقیماً از خانه‌های شان می‌آیند، پدرشان بیکار شده یا توان کار کردن ندارد، مادر یا برادر و خواهر کوچک‌ترشان مریض است یا در خرج تحصیلش مانده است. بنابراین اینها به هر سن و سالی، خیلی کوچک یا شاید هم بزرگ خرج خانه خود را می‌دهند و مردانه در پی لقمه نانی می‌دوند. از هیچ کاری فروگذار نمی‌کنند و همه تلاش‌شان را می‌کنند که شب دست خالی به خانه‌های‌شان برنگردند و چشمان امیدوار خانواده‌هایشان را ناامید نکنند.

وحید خدادادی، آنا

اعضای شورا دچار اختلاف شده‌اند



مرتضی طلائی، عضو سابق شورای شهر تهران درخصوص اختلافات شورای شهر و تأثیر آن بر انتخاب شهردار گفت: «بهنده نمی‌خواهم در این مورد ناامیدانه صحبت کنم، اما متاسفانه آنچه تاکنون از رفتار شورا برآمده این است که در درون خود به اندازه‌ای دچار چالش و اختلاف هستند که مجالی برای پرداختن به امور شهر و شهرداری ندارند و بیشتر درگیر حاشیه‌ها هستند. بنابراین این گزینه آینده می‌دهد یا پاسخ به این سوال است که آیا شهردار آینده عملکرد موفقی خواهد داشت یا خیر! بخش مهمی از پاسخ این سوال به شورا بازمی‌گردد که به نظر می‌رسد چندان امیدوارکننده نیست.» وی ادامه داد: «نکته بعدی اینکه به هر حال فردی که قرار است انتخاب شود، باید توان و کارآمدی لازم برای ایجاد منابع پایدار و پیشبرد پروژه‌های عمرانی و نیز اداره شهر را داشته باشد که در شرایط موجود به نظر می‌رسد طی هشت ماه اخیر چندان رضایت‌آمیز نبوده است. این موضوع نیز آیت مهم دیگری است که در کنار سایر گزینه‌ها باید به آن توجه کرد.»

مورد عجیب شهرداری برای خبرنگاران



محمدصادق افراسیابی، مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای با اشاره به اینکه طی ۱۵ سال اخیر هیچ‌گاه شاهد چنین وضع اسفناکی در ارتباط با طرح ترافیک خبرنگاران نبوده‌ایم، گفت: «مقصر اصلی این وضعیت را شورای شهر تهران می‌دانیم که تنها با معیارهای سیاسی برای انتخاب شهردار تهران تصمیم‌گیری می‌کند و حاضر نیست با انتخاب یک شهردار از میان اعضای خود حتی یک کرسی را در شورای شهر به جناح مقابل واگذار کند.» مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای خاطرنشان کرد: «قطعاً مردم با دقت عملکرد شورای شهر تهران را زیرنظر دارند و برای رای خود ارزش قائل بوده و هستند و ممکن است در انتخابات آتی رای و نظر خود را تغییر دهند.» مدرس دانشگاه‌های تهران تأکید کرد: «عملکرد معاونت فرهنگی اجتماعی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در سال گذشته در حوزه تلاش برای افزایش سواد رسانه‌ای شهروندان تهرانی مطلوب بود اما عملکرد معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران بسیار سوال‌برانگیز بود و شهرداری تهران را به چالش کشید.»

بیمه و اینترنت بدون فیلتر خبرنگاران



محمد سلطانی‌فر، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره بیمه تأمین اجتماعی و بیمه تکمیلی اصحاب رسانه اظهار کرد: «توافقی با معاونت بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفته تا رسانه‌های کمتر از پنج نفر نیرو بتوانند از بند کارگاه‌های مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور بهره‌مند شوند و برای برخورداری از مزایای آن تنها هفت درصد حق بیمه پرداخت کنند.» وی با اشاره به اینکه از تیر ماه سال در زمینه بیمه تکمیلی اصحاب رسانه شاهد تغییرات امیدوارکننده‌ای خواهیم بود، گفت: «یکی از آن موارد این است که برای روزنامه‌نگارانی که فعالیت رسانه‌های‌شان به هر دلیل متوقف می‌شود، مبلغی به عنوان کمک‌از طریق صندوق اعتباری حمایت از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران پرداخت می‌شود.» سلطانی‌فرد پاسخ به‌سوالی مبنی بر اینکه استقبال خبرنگاران از طرح ارائه اینترنت بدون فیلتر از سوی معاونت مطبوعاتی به چه اندازه بود، گفت: «دو فهرست تقاضا به ما رسیده که مجموعاً ۳۱۹ خبرنگار تقاضای اینترنت بدون فیلتر را داشته‌اند.»